

مظاهري، على اكبر
نبور بى برند: کاوش و پژوهشى همه سویه درباره مجادله در قلمرو روابط همسران...
/مؤلف: على اكبر مظاهري. - قم: خادم الرضا(ع). ١٣٨٩.
ص ٢٤

ISBN:978-964-2590-80-3

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
۱. زناشویی - روابط. ۲. روابط زن و مرد. الف. عنوان.
ن ۲۶ م / HQ ۷۳۴

۳۰۶ / ۸



بِرْدَبَیْ بِرْنَدَه

نویسنده: على اکبر مظاهري

ناشر: انتشارات خادم الرضا(ع)

ویراستان محمدحسن استادی مقدم

صفحه اولیه: مرتضی فتح الله

چاپ و صحافی: کوشش

نوبت چاپ: دوازدهم، ایستان ۲

شمارگان: ۱۰۰۰

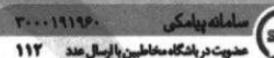
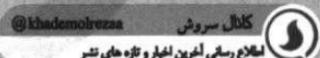
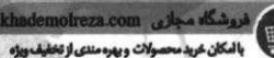
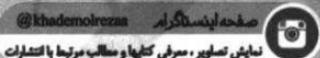
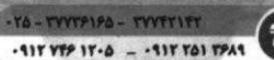
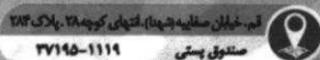
قطع: رقعي / ۲۲۴ صفحه

شابک: ۳۰۰-۸۰-۲۵۹-۲۶۴-۹۶۴-۹۷۸
جمع حقوق برائی انتشارات خادم الرضا(ع) محفوظ است

برای اطلاع از قیمت به سایت انتشارات خادم الرضا www.khademolreza.com مراجعه فرمایید:

100000

ارتباط با ما:



اطلاع رسانی آنلاین تغیرات و تازه های تحریر

تقدیم به زوج‌های جوان:

فاخته‌های نوآشیانه‌ای که امیدمندانه، در آغاز راهی نو،
در آرزوی زندگی‌ای خجسته، به افق‌های آینده چشم
دوخته‌اند؛
همانان که شکوفه‌ها و ثمره‌های بوستان حیاتمان‌اند.

«نویسنده»

فهرست مطالب

ستخن آغازین / ۱۳

۱۳	مکانت مدیریت
۱۴	مدیریت خانواده
۱۶	اما حکایت این «نبرد بی برنده»
۱۸	چند نکته

فصل یکم

کارزاری فضیلت سوز / ۲۱

۲۳	میدانی بی قاعده
۲۴	نمای این میدان
۲۴	ویژگی‌های این میدان

● از زبان مشاور.....	۲۵
○ نبرد بر سر جعبه‌ی خالی!.....	۲۵
○ دعوا بر سر هیچ!.....	۲۸
○ نبردی دوسویه.....	۲۹
نقد یک نظر.....	۳۱
اندیشه‌های نارشید.....	۳۱
مکانت فرزندان در میدان نبرد بی برنده.....	۳۵
میلادی دوباره.....	۳۷
حیاتی تابناک.....	۳۹
از پدری فرزانه.....	۴۰
عبرت آموزی و تجربه‌اندوگی.....	۴۱
بازگشت به سخن اصلی.....	۴۲
داوری عقل.....	۴۳
سر به سنگ کوفتن، چرا؟!.....	۴۲
● از زبان مشاور.....	۴۵
○ در خلوت کوهستان.....	۴۵
آفت حیات.....	۵۵
دشوارترین مشاوره‌ها.....	۵۵
پیشرونده‌ترین آفت خانوادگی.....	۵۷
ام المفاسد خانواده‌ها.....	۵۸
رسالت مصلحان.....	۵۹
آفت‌شناسی خانوادگی.....	۶۱

فصل دوم

آثار غمبار / ۶۳

۶۵ زیان‌های مجادله
۶۶ ۱. تباہگاه ایمان
۶۷ ۲. حراجگاه آبرو
۶۹ ۳. کلافه کننده‌ی ذهن
۷۰ ۴. سوزاننده‌ی محبت
۷۱ ۵. شکننده‌ی صلابت
۷۲ ۶. شکننده‌ی حریم‌ها
۷۳ ۷. شکننده‌ی مثانت و خوار
۷۴ ۸. تباہگر آخرت
۷۵ ۹. ویرانگر اعصاب و روان
۷۶ ۱۰. هدر دهنده‌ی نیروهای فکری
۷۸ ۱۱. بازدارنده از وصول به اهداف بزرگ
۷۸ الف) اندیشه‌ی آدمی را حقیر می‌کند
۷۸ ب) همت آدمی را نحیف می‌کند
۷۸ ج) جان آدمی را به پستی می‌کشاند
۷۹ د) اراده را ضعیف می‌کند
۷۹ ه) بینش را محدود می‌کند
۷۹ ۱۲. هرزکننده‌ی زبان
۸۱ ۱۳. برهمزننده‌ی آرامش

۱۴. زننده‌ی لطمehای غیر قابل پیش‌بینی ۸۲	
۱۵. فروپاشنده‌ی زندگی ۸۵	
● ۱۶. از زبان مشاور ۸۷	
○ از «چرند و پرنده» تا «طلاق» ۸۷	
○ آتش در خرم ۸۹	
○ فرجام کار سهیل و سمانه ۹۱	

فصل سوم

ریشه‌ها و انگیزه‌ها / ۹۳

شناخت ریشه‌ها و عوامل مجازاتی همسران ۹۵	
۱. تربیت خانوادگی ۹۵	
● ۲. از زبان مشاور ۹۶	
○ ای مرگ بیا! ۹۶	
○ اصلاح کار ۱۰۱	
○ راهکارها ۱۰۲	
○ فرجام ماجراهی آقای جلالی ۱۰۲	
۲. ناآزمودگی فنون همسرداری ۱۰۴	
● ۳. از زبان مشاور ۱۰۵	
○ ساجده و سبحان ۱۰۵	
۴. رذیلت‌های اخلاقی ۱۰۸	
۴. بیماری‌های عصبی و روانی ۱۰۸	

فصل چهارم

چاره‌ی کار / ۱۳۳

۱۳۵	چاره‌ی کار.....
۱۳۶	زدودن عوامل و انگیزه‌های مجادله
۱۳۷	راهکار
۱۳۸	مراحل زدودن عوامل
۱۳۹	فرجام پویش.....
۱۴۱	۱. آغاز نکردن.....
۱۴۴	ترفندی حکیمانه
۱۴۸	۲. گریختن از معركه!.....
۱۴۹	حکایت آن دو عاشق عارف
۱۵۲	ترجمیح «فرار» بر «قرار»!.....
۱۵۳	تذکر
۱۵۳	پرسشی و پاسخی
۱۰۵	۳. گذشت و ایثار.....
۱۰۸	زیستنی رحیمانه.....
۱۶۰	۴. تغافل (چشم‌پوشی بزرگوارانه)
۱۶۲	تغافل در قلمرو خانواده
۱۶۳	مجادله و تغافل
۱۶۵	۵. مدارا.....
۱۶۶	مدارا از منظر پیامبر اعظم ﷺ

مکانت مدیریت

از آنگاه که آدمی بر زمین پدید آمده، پدیدهای به نام «مدیریت» نیز با وی همراه بوده است. آفرینش انسان به گونه‌ای است که همواره نیازمند کارافزار مدیریت است؛ مدیریت فردی، خانوادگی و اجتماعی. مکانت هیچ‌کدام از این سه مدیریت، پر ارج تر یا کم ارج تر از دیگری نیست؛ اگرچه برخی از آن‌ها پیچیده‌تر و برخی ساده‌تر است. اما پیچیدگی و سادگی، میزان پرارزشی و کمارزشی نیست.

هرچه زندگی آدمیان گسترده‌تر شده، مدیریت زندگی شان نیز گسترده‌تر، پیچیده‌تر، فنی‌تر، و علمی‌تر گشته است و اکنون در عصر

ما، این گستردگی و پیچیدگی و گوناگونگی، به اوج خود رسیده است. اینک دیگر آن مدیریت ساده‌ی پیشین، در هر سه عرصه‌ی مذکور (فردی، خانوادگی و اجتماعی)، کفايت اداره‌ی حیات کنونی را نمی‌کند. از این روست که بشر، با آگاهی به نیاز کنونی خود، قلمرو مدیریت را گسترانده و سامانی تازه بخسیده و شاخه‌های گوناگونی برایش ترسیم کرده و حتی آن را در قالب‌های چندگانه درآورده و در مراکز و مجتمع علمی و دانشگاهی، مکانتی ویژه برایش تعریف کرده است، و با عنوان «دانش مدیریت» به آن می‌نگرد و درباره‌ی زوایای گوناگون آن به تحصیل، تحقیق، مطالعه و تأثیف می‌پردازد.

در این روزگار، نقش مدیریت در هدایت بشر، آشکارتر شده و آدمی به ارزش این عنصر بی‌بدیل، دانانتر گشته و قدر آن را بهتر دانسته و آن را در مکانتی بالاتر نهاده است. البته هنور تا وصول این کارافزار گرانسینگ به مکانت شایسته و بایسته‌اش، مسافتی بلند باقی مانده است، که امید می‌رود با تکامل بیش‌تر انسان، از طول این مسافت کاسته شود.

مدیریت خانواده

اگرچه پرداختن به مدیریت فردی، خانوادگی و اجتماعی، ارزشی یکسان دارد و هر سه - از حیث ارج داری - مکانتی برابر دارند و ضرورت سخن درباره‌ی هیچ‌کدام، کم‌تر یا بیش‌تر از دیگری نیست؛ اما سخن ما در این کتاب، درباره‌ی «مدیریت خانوادگی» است و محور بحثمان، همسران و اعضای خانواده‌اند؛ به‌ویژه زوج‌های جوان؛

همانان که تازه با هم انس گرفته و آشیانه‌ی مشترکشان را تازه سامانه داده‌اند، یا در تدارک ساماندهی آن (در دوران نامزدی و عقدبستگی) و در آغاز راهی جدیدند و شیوه‌ای نوین از حیات را می‌آزمایند و مرحله‌ی تازه‌ای را می‌آغازند.

مدیریت خانوادگی، برخلاف پندار مشهور، از مدیریت اجتماعی سخت‌تر است، و نیز دقیق‌تر و ظریفتر و لطیفتر. اداره‌ی خانواده، درایتی بیش از درایت اداره‌ی جامعه را می‌طلبد؛ چه از ناحیه‌ی مرد و چه از جانب زن. اداره‌ی شؤون حیات زوجیت و ساماندهی امور معیشت خاندان و خانمان، به ظاهر، خُردتر از سامانبخشی امور جامعه است؛ اما به واقع، مسئله‌ی عکس است و کار خانه و خاندان و معیشت و خانمان، کلان‌تر از کار اجتماع است، و درایت و کیاست و خردمندی و لیاقت بیش‌تری را می‌طلبد.

تمثیلی ساده و گویا: در نظر اوریم زن و مردی را که در مؤسسه‌ای، کارخانه‌ای، شرکتی، یا... با هم کار می‌کنند و دو همکار مرتبط با یکدیگرند. ایشان زمانی دراز با هم کار می‌کنند و هیچ مسئله‌ای با هم ندارند و یا اگر مسئله‌ای برایشان پیش آید، قانون کار و ضابطه‌ی مدیریت آن محل کار، آن را حل می‌کند. این دو همکار، در قلمرو کارشناس تفاهم دارند و دو همکار موفق محسوب می‌شوند؛ خواه رئیس و مرؤوس باشند، خواه همکار همطراز، خواه همکار غیر همطراز. تا این‌که از قضای روزگار و به هر شکل و دلیل، مسئله‌ی ازدواجشان مطرح شده، با هم ازدواج می‌کنند و همسر می‌شوند!

از آن‌گاه دیگر قلمرو روابطشان صدق‌نдан گسترده‌تر می‌شود و آن

رابطه‌ی ساده‌ی «همکاری»، به روابط گستردۀ و پُر چم و خم «همسری» بدل می‌گردد. عرصه‌هایی نو در پیش پایشان و افق‌هایی تازه فراروی دیدگانشان گشوده و گستردۀ می‌شود؛ با اندیشه‌هایی نو و نیز با سلیقه‌ها، دیدگاه‌ها، عشق‌ها، دلبستگی‌ها، انتظارها، توقع‌ها، ایشاره‌ها، نگرانی‌ها، دغدغه‌ها، عاطفه‌ها، غیرت‌ها، حسادت‌ها، تفاهم‌ها، تفاوت‌ها، احساس مسؤولیت‌ها، و ریزه‌ها و درشت‌های بسیار دیگر که از هزار بیشتر است و «هزار نکته‌ی باریکتر ز مو این جاست». با این‌که این دو نفر کنونی، همان دو نفر پیشین‌اند! آمانه. دیروز «همکار» بودند و امروز «همسر»‌اند. و رابطه‌ی دو همکار با رابطه‌های دو همسر، بسیار متفاوت است.

ای بسا دو همکار موفق که دو همسر موفق نیستند، و چه بسیارند کسانی که توان مدیریت جامعه را دارندند اما برای خانواده‌شان مدیر موفقی نیستند؛ زیرا ماهیت مدیریت خانوادگی به ماهیت مدیریت اجتماعی، تفاوتی گوهری دارد. مدیریت خانوادگی، بسیار دقیق‌تر و عمیق‌تر از مدیریت اجتماعی است. و البته لطیف‌تر، شیرین‌تر، دلپذیر‌تر، دلاویز‌تر، عاطفی‌تر، اخلاقی‌تر و زیباتر نیز هست.

اما حکایت این «نبرد بی برنده»

این کتاب، به یکی از پدیده‌های مدیریتی خانوادگی می‌پردازد؛ پدیده‌ای دانه‌درشت که توان آن را دارد که یک تنه در ساخت حیات خانواده، یکه تازی کند و جو لان دهد و اگر با درایت و مهارت، مدیریت نشود، می‌تواند لطمehایی سخت جبران یا بی جبران بر پیکره‌ی لطیف

زندگی همسران - به ویژه زوج‌های جوان - و نیز دیگر اعضای خاندان بزند و بند لنگر کشته خانواده را بگسلد و سفینه‌ی حیات را واژگون کند و کشته نشستگان را به هلاکت افکند.

آری؛ توان تخریبی «مجادله‌ی همسران»، چندان بالاست که اگر هیچ آفت دیگری برای ویرانی بنیان خانواده موجود نباشد، به تنها بی قادر است این بنارا از پای بست ویران کند. اگر آتش مجادله بر دامان خرم من حیات خانواده درگیرد و مهار و خاموش نگردد، به زودی چیزی جز تلی از خاکستر بر جای نمی‌گذارد، که آن نیز به دستان بادهای وزان و اپسین، ربوده شود.

«مجادله»، که همانا مخاصمه، کشاکش، ستیزگی، بگومگو، ستیزه‌جویی، جدال و منازعه‌است، صفت و کردار اخلاقی - روانی منفی و معیوبی است که منشا بسیاری از کثی‌ها، بدی‌ها، ناهنجاری‌ها و زیان‌هاست.

مشاهده‌ها، مطالعه‌ها، اندیشیدن‌ها، و تجربه‌های فراوان مشاوره‌ای در قلمرو «مجادله‌ی همسران» و زیان‌های سخت جبران و گاهی بی جبران آن، و چاره‌اندیشی برای کاستن از آثار غمبار این پدیده‌ی تباهرگر، سبب پدید آمدن این کتاب شد.



این اثر - فعلأً - در چهار فصل، سامان یافته است. (امید دارم که در آینده، توفیق گسترش آن، نصیب شود. إن شاء الله).
فصل یکم: چیستی مجادله‌ی همسران؛ ماهیت آن، نشانگان آن، نمایی از این میدان کارزار فضیلت سوز.